

راهنمای بیت کوین

کتاب «راهنمای بیت کوین» نوشته یان دی مارتینو، به عنوان یک نقشه راه جامع برای شناخت نخستین و مشهورترین ارز دیجیتال جهان طراحی شده است. این کتاب که با نگاهی آموزشی و گام‌به‌گام نوشته شده، تلاش می‌کند پدیده پیچیده بیت‌کوین را از پایه‌ای‌ترین مفاهیم تا مسائل پیشرفته‌تر برای خواننده تشریح کند. دی مارتینو در این اثر سعی دارد فناوری بلاکچین، فلسفه وجودی بیت کوین به عنوان یک سیستم مالی غیرمتمرکز و کاربردهای عملی آن را با زبانی قابل فهم ارائه دهد. محتوای کتاب از توضیح مفاهیم پایه مانند تاریخچه پیدایش بیت‌کوین، سازوکار استخراج (ماینینگ) و امنیت تراکنش‌ها آغاز می‌شود و به تدریج به موضوعات پیچیده‌تری مانند کیف‌پول‌های دیجیتال، روش‌های خرید و فروش و استراتژی‌های سرمایه‌گذاری می‌پردازد. نویسنده با بررسی جنبه‌ مختلف این فناوری نوظهور، مزایایی مانند شفافیت و سرعت نقل و انتقالات بین‌المللی تا چالش‌هایی مانند نوسانات قیمت و مسائل قانونی را پوشش می‌دهد. ویژگی جالب این کتاب، ارائه تصویری متعادل و واقع‌بینانه از بیت‌کوین است که از ایجاد تصورات اغراق‌آمیز یا هراس‌انگیز فاصله دارد. این کتاب نه‌تنها به جنبه‌های فنی و اقتصادی می‌پردازد، بلکه بر پیامدهای اجتماعی و فلسفه آزادی‌خواهانه پشت ایده ارزهای دیجیتال نیز تأکید دارد. مطالعه این اثر می‌تواند برای تازه‌واردان به دنیای رمزارزها، سرمایه‌گذاران و حتی علاقه‌مندان به فناوری به عنوان یک نقطه شروع مفید و روشنگر عمل کند. رویکرد آموزشی منظم و پرهیز از پیچیده‌گویی، کتاب را به منبعی ارزشمند برای درک یکی از مهم‌ترین نوآوری‌های مالی قرن بیست‌ویکم تبدیل کرده است.

اخبار

جزئیات نرخ رشد اقتصاد

نیمه اول امسال

مرکز آمار ایران از نرخ رشد ۰٫۱ درصدی اقتصاد با نفت و ۰٫۵ درصدی بدون نفت در نیمه اول سال جاری خبر داد. بر اساس آخرین نتایج حساب‌های ملی فصلی مرکز آمار ایران، محصول ناخالص داخلی (GDP) به قیمت ثابت سال ۱۴۰۰ در ۶ ماهه اول سال ۱۴۰۴ ۵۰٫۶۵۸ هزار میلیارد ریال بافت و ۳۸٫۱۸۹ هزار میلیارد ریال بدون احتساب نفت رسیده است، در حالی که رقم مذکور در ۶ ماه اول سال قبل با نفت ۵۰٫۶۱۲ هزار میلیارد ریال و بدون نفت ۳۸٫۲۴۳ هزار میلیارد ریال بوده است که نشان از رشد ۰٫۱ درصدی محصول ناخالص داخلی با نفت و ۰٫۵ درصدی محصول ناخالص داخلی بدون نفت در ۶ ماه اول سال ۱۴۰۴ دارد. نتایج مذکور حاکی از آن است در ۶ ماه اول سال ۱۴۰۴، رشته فعالیت‌های گروه کشاورزی رشد ۳-۰ درصد، گروه صنایع و معادن ۰٫۳ درصد (شامل: استخراج نفت خام و گاز طبیعی ۱٫۸، سایر معادن ۲٫۵، صنعت ۱-۱)، توزیع گاز طبیعی ۱-۴، تأمین آب و برق ۸-۴، و ساختمان ۰٫۸- (درصد) و گروه خدمات ۰٫۵ درصد نسبت به ۶ ماه اول سال ۱۴۰۳ رشد داشته‌اند. محاسبات فصلی در مرکز آمار ایران در قالب ۱۸ بخش اصلی متشکل از ۵۰ رشته فعالیت بر مبنای طبقه‌بندی ISIC:Rev4 انجام می‌شود که بر این اساس گروه کشاورزی شامل زیربخش‌های زراعت و باغداری، دامداری، جنگل‌داری و ماهیگیری؛ گروه صنایع و معادن شامل زیربخش‌های استخراج نفت خام و گاز طبیعی، استخراج سایر معادن، صنعت، تأمین آب و برق، توزیع گاز طبیعی و ساختمان است و گروه خدمات شامل زیربخش‌های عمده و خرده‌فروشی، فعالیت‌های خدماتی مربوط به تأمین غذا و غذای، حمل‌ونقل، انبارداری، پست، اطلاعات و ارتباطات، فعالیت‌های مالی و بیمه، مستغلات، کرایه و خدمات کسب‌وکار و دامپزشکی، اداره امور عمومی و خدمات شهری، آموزش، فعالیت‌های مربوط به سلامت انسان و مسدکاری اجتماعی و سایر خدمات عمومی اجتماعی، شخصی و خانگی است. همچنین اطلاعات تفصیلی در زمینه حساب‌های ملی ۶ ماه اول سال ۱۴۰۴ از طریق درگاه ملی آمار در قسمت داده‌ها و اطلاعات آماری، حساب‌های ملی، جداول آماری و زیر گروه حساب‌های ملی فصلی قابل دسترسی است. ■■

ابلاغ ضوابط و شرایط جدید احداث

نیروگاه‌های تجدیدپذیر و پاک

سازمان انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌وری انرژی برق (ساتبا)، در جدیدترین احداث خود، ضوابط احداث نیروگاه‌های تجدیدپذیر و پاک توسط واحدهای صنعتی، معدنی و کشاورزی را اعلام کرد.

سیدمهدی حسینی، مدیر کل دفتر برنامه، بودجه و تنظیم مقررات ساتبا گفت: تمام نیروگاه‌های احداث شده مجازند در تمام ایام سال به جز دوره گرم (ابتدای خرداد تا انتهای شهریور) برق تولیدی خود را در تابلوی برق سبز بورس انرژی شامل معاملات فیزیکی، مشتقه یا گواهی تولید برق تجدیدپذیر عرضه کرده یا از ظرفیت تولیدی به صورت خودتأمین بهره ببرند و در دوره گرم، نیروگاه مجاز به عرضه برق ماراد خود در تابلوی برق سبز است. مطابق این سند ابلاغی، واحدهای متقاضی که در شهرک صنعتی واقع شده یا دارای فیدر اختصاصی هستند، در صورت رعایت نسبت ظرفیت منصوبه نیروگاه به دیماند محاسبه شده (براساس تعداد شیفت کاری)، از شمول برنامه‌های مدیریت بار در دوره‌های ناترازی برق معاف خواهند شد. وی خاطرنشان کرد: بر اساس این سند، نسبت ظرفیت منصوبه نیروگاه به دیماند محاسبه شده صنایع متقاضی بر اساس تعداد شیفت کاری صنایع متقاضی است، به طوری که برای صنایع تک‌شیفت به میزان ۰٫۴ دیماند محاسبه شده، برای صنایع ۲ شیفت به میزان ۰٫۶ دیماند محاسبه شده و برای صنایع ۳ شیفت به میزان ۰٫۸ دیماند محاسبه شده خواهد بود. منظور از دیماند محاسبه شده، برای مشتریان جدید یا مشترکان موجود با سابقه اشتراک کمتر از یک سال، دیماند نامی و برای مشترکان فعلی با سابقه اشتراک بین یک تا ۳ سال بر اساس میانگین دیماند مصرفی سالانه (دوره اشتراک) و برای مشترکان با سابقه بیش از ۳ سال، بر اساس متوسط دیماند مصرفی ۳ سال گذشته است.



وزیر جهاد کشاورزی از برخورد با گران‌فروشان خبر داد

هشدار تعزیراتی به لبنیاتی‌ها

شرکت‌های لبنی با وجود دریافت نهاده‌های دامی دولتی به دلیل ضعف نظارت قیمت‌ها را تا ۸۰ درصد افزایش دادند

دلیل افزایش قیمت نهاده‌ها توسط واردکنندگان بالا رفت. واردکنندگان نهاده با استناد به نوسانات ارزی و هزینه‌های حمل‌ونقل، قیمت ذرت، کنگاله سویا و جو را افزایش دادند و این رشد قیمت به‌سرعت به بخش تولید منتقل شد. در نتیجه شرکت‌های لبنی با وجود بهرمندی از حمایت‌های دولتی، محصولات خود را با نرخ دلاری عرضه کردند و تورم لبنیات به ۸۰ درصد رسید. در واقع مشخص نشد شرکت‌ها چقدر نهاده دولتی و چقدر نهاده آزاد دریافت کرده‌اند و این کم‌کاری وزارت جهاد کشاورز بوده است.

ایسن وضعیت نشان‌دهنده ضعف جدی در نظارت بر واردکنندگان نهاده‌های دامی است. دولت منابع ارزی و پارانه‌ای برای واردات نهاده‌ها تخصیص داده بود تا تولیدکنندگان بتوانند با هزینه کمتر محصولات خود را عرضه کنند اما نبود شفافیت در زنجیره واردات و توزیع، باعث شد واردکنندگان عملاً قیمت‌ها را دلخواه افزایش دهند. این افزایش نه‌تنها تولیدکنندگان لبنی را تحت فشار قرار داد، بلکه بهانه‌ای برای آنان شد تا قیمت محصولات خود را بالا ببرند.

پیامد این روند، شکل‌گیری یک چرخه معیوب در اقتصاد بود؛ واردکنندگان نهاده قیمت‌ها را افزایش دادند، تولیدکنندگان لبنی با هزینه بالاتر تولید کردند، محصولات با نرخ دلاری عرضه شد و در نهایت فشار سنگینی بر مصرف‌کنندگان وارد آمد. این چرخه به یکی از چالش‌های جدی اقتصاد ایران در سال ۱۴۰۴ تبدیل شده و نشان می‌دهد ضعف نظارت بر واردکنندگان نهاده به اندازه سکوت در برابر گران‌فروشی شرکت‌های لبنی خطرناک است. از سوی دیگر، بسیاری از شرکت‌های لبنی در شرایط کاهش تقاضای داخلی ترجیح دادند محصولات خود را صادر کنند. این اقدام در حالی انجام شد که بازار داخلی با کمبود عرضه و افزایش قیمت مواجه بود. وزارت جهاد کشاورزی می‌توانست با محدود کردن صادرات، فشار کم‌تر را بر بخش لبنیات وارد کند اما چنین سیاستی اجرا نشد. در نتیجه، مصرف‌کنندگان داخلی با تورم شدید مواجه شدند، در حالی که محصولات لبنی با نرخ دلاری روانه بازارهای خارجی شد.

این شرایط نشان می‌دهد سناد تنظیم بازار و وزارت جهاد کشاورزی باید علاوه بر نظارت بر شرکت‌های لبنی، کنترل جدی بر واردکنندگان نهاده‌های دامی داشته باشند. اگر واردکنندگان نهاده با ارز دولتی یا نیعمایی کالا وارد می‌کنند، باید مکلف شوند آن را با قیمت منطقی در اختیار تولیدکنندگان قرار دهند. همچنین لازم است سازوکاری شفاف برای رصد زنجیره واردات و تا مصرف اعمال شود تا امکان سوءاستفاده کاهش یابد. در جمع‌بندی باید گفت مشکل بازار لبنیات در سال ۱۴۰۴ تنها ناشی از رفتار شرکت‌های لبنی نیست، بلکه ریشه اصلی آن در افزایش قیمت نهاده‌های دامی توسط واردکنندگان است. این موضوع به چالش جدی برای اقتصاد ایران تبدیل شده و نشان می‌دهد بدون اصلاح ساختار واردات نهاده‌ها و نظارت دقیق بر زنجیره تأمین، هر گونه حمایت دولتی بی‌اثر خواهد بود. راهکار اصلی، ایجاد شفافیت در تخصیص نهاده‌ها، الزام واردکنندگان به عرضه با قیمت واقعی و برخورد قاطع با متخلفان است؛ اقداماتی که می‌تواند از تکرار چنین مشکلاتی در آینده جلوگیری کند.

وظیفه دیگر ستاد برخورد با گران‌فروشی و محتکران است؛ این کار باید با همکاری سازمان حمایت و تعزیرات حکومتی انجام شود تا شرکت‌های متخلف شناسایی و با آنها برخورد قانونی انجام شود. همچنین ستاد باید مانع شکل‌گیری انحصار و رانت شود و با ایجاد رقابت سالم، از تسلط شرکت‌های بزرگ بر بازار جلوگیری کند. در شرایط خاص نیز وظیفه دارد با واردات فوری یا آزادسازی ذخایر، مانع جهش ناگهانی قیمت‌ها شود. با وجود این وظایف گسترده، عملکرد ستاد تنظیم بازار در سال ۱۴۰۴ با انتقادهای جدی روبه‌رو شد. بررسی‌ها نشان می‌دهد از میان ۵۳ قلم خوراکی منتخب، ۳۳ قلم بیش از تورم رسمی افزایش قیمت داشته‌اند؛ برای نمونه کره با رشد ۹۳ درصدی و ماست با بیش از ۶۰ درصد افزایش قیمت مواجه شدند. این آمار نشان می‌دهد ستاد تنظیم بازار نتوانسته وظیفه اصلی خود یعنی نزدیک کردن رشد قیمت‌ها به رشد درآمد خانوار را محقق کند و عملاً در کنترل بازار ناکام مانده است. پیامدهای این ضعف عملکرد ستاد تنظیم بازار این بوده که سیاست‌های حمایتی بی‌اثر شده است؛ وقتی شرکت‌ها بدون ترس از برخورد قانونی قیمت‌ها را افزایش می‌دهند، فلسفه وجودی این ستاد زیر سوال می‌رود. رشد قیمت‌ها در کالاهای اساسی مانند لبنیات و برنج قدرت خرید کارگران و کارمندان را به‌شدت کاهش داده است.

در واقع ستاد تنظیم بازار نهادهی استراتژیک برای مدیریت قیمت کالاهای اساسی و جلوگیری از فشار تورمی بر مردم است. وظایف آن شامل نظارت بر تأمین کالا، کنترل تعرفه‌ها، برخورد با گران‌فروشان، جلوگیری از انحصار و مداخله در شرایط سخت است. با این حال ضعف در اجرای این وظایف موجب شده شرکت‌های بزرگ بدون مجوز قیمت‌ها را افزایش دهند و چالش‌های معیشتی مردم تشدید شود. برای بازگرداندن اعتماد عمومی و حفظ امنیت غذایی، ستاد باید از حالت منفعل خارج شود و با شفافیت، برخورد قاطع با متخلفان و هماهنگی نهادی، نقش واقعی خود را ایفا کند.

■ عملکرد شرکت‌های واردکننده نهاده

یکی از مشکلاتی که باعث شد قیمت لبنیات افزایش یابد وضعیت نابسمان تأمین نهاده‌های دامی بود. درواقع سال ۱۴۰۴ یکی از مهم‌ترین چالش‌های اقتصاد ایران، وضعیت تأمین نهاده‌های دامی بود که به عنوان مواد اولیه اصلی در تولید شیر خام و فرآورده‌های لبنی نقش حیاتی دارند. دولت اعلام کرده بود شرکت‌های لبنی از طریق سامانه بازار گام نهاده‌های پارانه‌ای دریافت کرده‌ند، بنابراین باید محصولات خود را با قیمت منطقی عرضه کنند اما واقعیت بازار نشان داد این حمایت‌ها نتوانست مانع افزایش بی‌رویه قیمت‌ها شود. دلیل اصلی این تناقض، رفتار شرکت‌های واردکننده نهاده بود که با وجود دریافت ارز دولتی، قیمت نهاده‌ها را به‌طور قابل توجهی بالا بردند و همین موضوع زنجیره تولید را با چالش جدی مواجه کرد. این موضوع در شرایط رخ داد که وزارت جهاد کشاورزی بارها از سوی دستگاه‌های نظارتی درباره بررسی وضعیت تأمین و توزیع نهاده‌ها پیام هشدار دریافت کرده بود.

شرکت‌های لبنی در ظاهر نهاده‌های دامی را با نرخ پارانه‌ای دریافت کردند اما در عمل هزینه تمام‌شده تولید شیر خام به

میان وزارت جهاد کشاورزی، سازمان حمایت و تعزیرات حکومتی باعث شده اقدام جدی‌ای برای کنترل قیمت لبنیات صورت نگیرد. این بی‌عملی، نه‌تنها به چالش معیشتی تبدیل شده، بلکه اعتبار ستاد تنظیم بازار را نیز زیر سوال برده است. آیا این ستاد در راستای کنترل قیمت کالاهای تشکیل شده است؟ پیامدهای این ضعف نظارت بسیار گسترده است. نخست، افزایش فشار بر خانوارها که ناچارند برای خرید لبنیات اساسی مانند شیر، ماست و پنیر هزینه‌ای نزدیک به ۲ برابر سال گذشته بپردازند. دوم، افزایش تورم غذایی که لبنیات را به کالایی تورمی بدل کرده و سهم مهمی در رشد شاخص قیمت مصرف‌کننده دارد. سوم، کاهش اعتماد عمومی به سیاست‌های حمایتی دولت، در واقع دولت از یک سوءاعلام می‌کند به دهک‌های پایین جامعه کالا بزرگ داده می‌شود که لبنیات نیز شامل می‌شود و از سوی دیگر قیمت لبنیات ۲ برابر می‌شود. آیا گرانی کالاهای توسط شرکت‌ها باید با بی‌توجهی دستگاه‌های نظارتی همراه شود؟ به‌طور قطع مردم با مشاهده سکوت دستگاه‌های نظارتی در برابر تخلفات آشکار، احساس می‌کنند حمایت‌ها تنها در سطح شعار باقی مانده است.

از این رو می‌توان ادعا کرد وعده وزیر جهاد کشاورزی برای برخورد با گران‌فروشی لبنیات فعلاً با واقعیت بازار همخوانی ندارد، زیرا در شرایطی تورم ۸۰ درصدی لبنیات ثبت شده که شرکت‌های لبنی از نهاده‌های پارانه‌ای بهرمندی بوده‌اند، حتی صادرات لبنیات به جای اصلاح قیمت داخلی داشته‌اند و در مقابل شاهد سکوت ستاد تنظیم بازار بوده‌ایم. همه این عوامل نشان‌دهنده ضعف جدی در مدیریت و نظارت بر کالاهای اساسی است. اگر این روند ادامه یابد، تاثیر گرانی‌ها بر سفره مردم بیشتر می‌شود. راهکار اصلی در این شرایط، الزام شرکت‌های لبنی به عرضه داخلی با قیمت منطقی، محدودیت صادرات در شرایط کنونی و فعال‌سازی واقعی ستاد تنظیم بازار است؛ اقداماتی که تنها در صورت وجود اراده سیاسی جدی می‌تواند معیشت مردم را از فشار بی‌سابقه نجات دهد.

■ وظیفه ستاد تنظیم بازار

ستاد تنظیم بازار بر اساس مصوبه هیأت وزیران و در چارچوب آیین‌نامه «مدیریت بازار کالاهای اساسی، حساس و ضروری» شکل گرفته است. ریاست این ستاد بر عهده معاون اول رئیس‌جمهور قرار دارد و وزرای صمت، جهاد کشاورزی، اقتصاد، رئیس سازمان برنامه و بودجه، رئیس کل بانک مرکزی، سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان و نماینده تعزیرات حکومتی اعضای اصلی آن هستند. چنین ترکیبی نشان می‌دهد ستاد تنظیم بازار نهادهی فرابخشی است و باید با هماهنگی کامل میان دستگاه‌های مختلف، از بروز چالش‌های قیمتی جلوگیری و نقش محوری در مدیریت بازار ایفا کند.

این ستاد وظایف متعددی در برابر گرانی‌ها دارد؛ نخست آنکه موظف است با سیاست‌گذاری و نظارت بر تأمین و توزیع کالاهای اساسی، از طریق رصد ذخایر استراتژیک و هماهنگی با وزارت‌خانه‌ها، مانع کمبود کالا شود. دومین وظیفه آن تنظیم تعرفه‌ها و قیمت‌هاست؛ به این معنا که باید با ابزارهایی مانند تعرفه و مالیات از افزایش بی‌رویه قیمت‌ها جلوگیری کند و در صورت لزوم، قیمت‌گذاری موقت را در دستور کار قرار دهد.

بخش عمده‌ای از مسیر در تاریکی می‌ماند.

بر اساس گزارش رسمی گمرک جمهوری اسلامی ایران (خبرگزاری مهر، مهرماه ۱۴۰۴)، میزان واردات کالاهای اساسی در ۷ ماه نخست امسال با رشد حدود ۱۰ درصدی نسبت به مدت مشابه سال قبل، از مرز ۱۵۶ میلیون تن عبور کرده است. با این حال، بازار همچنان نوسانات قیمتی و دوره‌های کمبود را تجربه می‌کند. این یعنی مساله نه در تأمین، بلکه در توزیع و رصد داده‌ای کالاهای نهفته است. دولت برای تنظیم بازار به داده نیاز دارد، نه فقط به دستور. بدون داده، حتی نیت‌های درست نیز به تصمیم‌های اشتباه منجر می‌شود. وقتی سیاست‌گذار نداند چه مقدار کالا در انبارها موجود است، چقدر در مسیر حمل است و در کدام مناطق کمبود دارد، سیاست‌های کنترل‌ی با قیمتی او ناگزیر کور خواهند بود. نتیجه چنین تصمیماتی، با وفور غیرقابل کنترل در بخشی از بازار است یا کمبود ناگهانی در بخش دیگر. هزینه چنین تصمیم‌گیری‌هایی فقط اقتصادی نیست؛ اجتماعی و سیاسی هم هست.

هر بار که مردم با قفسه‌های خالی روبه‌رو می‌شوند، بی‌اعتمادی عمومی افزایش می‌یابد. ایسن بی‌اعتمادی، در نهایت سرمایه اجتماعی دولت را تضعیف می‌کند؛ سرمایه‌ای

گروه اقتصادی: وزیر جهاد کشاورزی اخیراً اعلام کرده است در صورت تخلف شرکت‌های لبنی و گران‌فروشی، تعزیرات حکومتی و وزارت جهاد کشاورزی وارد عمل خواهند شد و پرونده‌های مربوط بررسی می‌شود. این وعده در ظاهر نشان‌دهنده عزم جدی دولت برای مقابله با تخلفات در بازار کالاهای اساسی است اما واقعیت بازار لبنیات در سال ۱۴۰۴ تصویر دیگری را نشان می‌دهد؛ تورم لبنیات در چند ماه اخیر به ۸۰ درصد رسیده و فشار سنگینی بر خانوارها وارد کرده است. پیش از این وزارت جهاد کشاورزی و سازمان حمایت مصرف‌کنندگان واکنش جدی و عملی به تخلفات شرکت‌های لبنی نشان نداده‌اند.

در شرایطی که وزیر جهاد کشاورزی بر برخورد تعزیراتی با گران‌فروشی شرکت‌های لبنی تأکید دارد، بررسی وضعیت بازار نشان می‌دهد این شرکت‌ها امسال چند بار قیمت محصولات خود را گران کرده‌اند؛ تنها در بهار مجوز افزایش قیمت داشته‌اند اما بعد از آن بدون مجوز رسمی اقدام به افزایش قیمت کرده‌اند و این روند مامها ادامه داشته است. سکوت دستگاه‌های نظارتی طی این مدت در برابر این تخلفات، تناقض آشکاری میان وعده‌های رسمی و عملکرد واقعی آنها ایجاد کرده است. این تناقض قابل توجهی نیست، زیرا به شرکت‌ها این پیام را منتقل کرده که می‌توانند بدون نگرانی از برخورد قانونی، قیمت‌ها را دلخواه افزایش دهند.

یکی از نکات مهم در این ماجرا، بهرمندی شرکت‌های لبنی از نهاده‌های دامی دولتی است. این شرکت‌ها از طریق سامانه بازار گام نهاده‌های پارانه‌ای دریافت کرده‌اند اما با وجود این حمایت‌ها، قیمت محصولات خود را به‌طور دلاری افزایش داده‌اند. این تناقض نشان می‌دهد ضعف نظارت و نبود شفافیت در تخصیص نهاده‌ها، زمینه‌ساز سوءاستفاده این شرکت‌ها شده است. در واقع، دولت منابع حمایتی را در اختیار تولیدکنندگان قرار داده اما هیچ سازوکار مؤثری برای الزام آنان به عرضه محصولات با قیمت منطقی وجود ندارد.

■ رویکرد صادراتی شرکت‌های لبنی

نکنه دیگر و بسیار مهم، رویکرد صادراتی شرکت‌های لبنی در شرایط کاهش تقاضای داخلی است. بسیاری از این شرکت‌ها در ماه‌های اخیر به جای اصلاح قیمت و عرضه محصولات در بازار داخلی، ترجیح داده‌اند کالاهای خود را صادر کنند. این اقدام عملاً به معنای بی‌توجهی به نیاز مصرف‌کنندگان داخلی و تمرکز بر سودآوری دلاری است. وزارت جهاد کشاورزی می‌توانست با اعمال محدودیت بر صادرات، شرکت‌ها را مکلف به اصلاح قیمت در بازار داخلی کند اما چنین اقدامی انجام نشده است. این ضعف سیاست‌گذاری باعث شده بازار داخلی با کمبود عرضه و افزایش قیمت مواجه شود، در حالی که محصولات با نرخ دلاری روانه بازارهای خارجی شده است.

این وضعیت نشان می‌دهد ستاد تنظیم بازار، نهادهی که باید محور اصلی مدیریت قیمت کالاهای اساسی باشد، عملاً در خواب است. محمدرضا عارف، معاون اول رئیس‌جمهور به عنوان رئیس این ستاد پس از جنگ اقتصادی تأکید کرده بود باید با گران‌فروشی برخورد شود اما در عمل چنین برخوردی در بخش کالاهای اساسی مشاهده نمی‌شود. ضعف هماهنگی

در سال‌های اخیر مفهوم «اقتصاد مقاوم» به یکی از پرکاربردترین واژه‌های ادبیات اقتصادی کشور تبدیل شده است اما مقاومت اقتصادی تنها در کارخانه‌ها یا مبادین تولید شکل نمی‌گیرد؛ در زنجیره توزیع کالاها و نحوه حکمرانی داده بر این زنجیره است که تابآوری واقعی ساخته می‌شود. کشوری مقاوم است که بتواند در روزهای حیاتی، کالا را به‌موقع، عادلانه و بدون فساد به دست مردم برساند. این امر، بدون شفافیت داده‌ای در طول زنجیره، میسر نخواهد شد.

امروز اقتصاد ایران نه از کمبود کالا رنج می‌برد و نه از ضعف تولید، بلکه به نظر اکثر کارشناسان، مساله در مسیر توزیع است. در این شرایط، کالا وارد کشور می‌شود اما گم می‌شود؛ ارز تخصیص می‌یابد اما اثرش در بازار دیده نمی‌شود. ریشه این تناقض روشن است؛ ما کالا داریم اما داده نداریم. در حکمرانی اقتصادی مدرن، داده حکم خون در رگ‌های نظام تصمیم‌سازی را دارد. وقتی جریان داده متوقف شود، تصمیم‌ها فلج می‌شوند و نظام اجرایی به آزمون و خطا پناه می‌برد. در ایران، داده‌ها در جزیره‌های پراکنده حبس شده‌اند. هر دستگاه سامانه‌ای دارد – گمرک، انبار، تجارت، پخش و فروش – اما هیچ شبکه‌ای این سامانه‌ها را به هم متصل نمی‌کند. در نتیجه دولت فقط ابتدای زنجیره را می‌بیند و

